

اصول فقه به روش ساده

جلد اول

تألیف:

سمیرا سید محمدی

وکیل پایه یک دادگستری

چاپ نوزدهم

(ویرایش جدید)

۱۴۰۳

سرشناسه	: سیدمحمدی، سمیرا، ۱۳۶۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: اصول فقه به روش ساده / تألیف سمیرا سیدمحمدی.
مشخصات نشر	: تهران: مشاهیر دادآفرین، ۱۴۰۳ -
مشخصات ظاهری	: ج.: جدول.
شابک جلد	: ۹-۱۵-۷۳۳۴-۶۲۲-۹۷۸
شابک دوره	: ۹-۷۳-۷۹۹۲-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: چاپ چهاردهم.
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: اصول فقه -- آزمون‌ها و تمرین‌ها
موضوع	: Islamic law -- Interpretation and construction -- Examinations, questions, etc
	: اصول فقه -- آزمون‌ها و تمرین‌ها (عالی)
	: Islamic law -- Interpretation and construction -- Examinations, questions, etc. (Higher)
	: وکالت (فقه) -- آزمون‌ها
	: Mandate (Contract) (Islamic law) -- Examinations*
	: وکالت (فقه) -- آزمون‌ها و تمرین‌ها (عالی)
	: Mandate (Contract) (Islamic law) -- Examinations, questions, etc. (Higher)*
رده‌بندی کنگره	: BP۱۵۵
رده‌بندی دیویی	: ۲۹۷/۳۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۷۴۳۴۹۹

اصول فقه به روش ساده

جلد اول

تألیف: سمیرا سید محمدی

چاپ نوزدهم (ویرایش جدید) - بهار ۱۴۰۳

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۹۰۰۰۰ تومان

شابک جلد اول: ۹-۱۵-۷۳۳۴-۶۲۲-۹۷۸

شابک دوره: ۹-۷۳-۷۹۹۲-۶۰۰-۹۷۸

چاپ و صحافی: وطن آرا

موسسه مشاهیر دادآفرین: خیابان کارگر شمالی، بالاتر از چهارراه فاطمی، کوچه شهید اکبری، پلاک ۳۲، تلفن: ۸۱۰۵۴

وبسایت: www.dadafarin.com پست الکترونیکی: office@dadafarin.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم بہ استاد خوبیم:

استاد امیر کمالوند

کہ راہنما و مشوق من بوده اند.

مقدمه

فقه به ابزار و وسایلی نیازمند است که یکی از آنها علم اصول فقه است، از این دیدگاه اهمیت و فایده علم اصول فقه از ارزش فقه دانسته می‌شود. از سوی دیگر نقش و اهمیت اصول فقه را در حقوق نیز نمی‌توان نادیده گرفت چرا که قسمت مهمی از حقوق ما متأثر از فقه اسلامی است، بنابراین شناخت قواعد اصولی به فقه و تحلیل صحیح قوانین مبتنی بر فقه حکم شایانی می‌کند. همچنین موجب تقویت قوه استدلال و کلا و حقوقدانان می‌شود.

در کتاب حاضر تحت عنوان «اصول فقه به روش ساده» سعی شده است مباحث اصولی به صورت جامع و کامل و در عین حال به بیانی ساده و روان ارائه شوند. از ویژگی‌های این کتاب می‌توان به استفاده از مثال‌های بسیار زیاد حقوقی برای مباحث اصولی اشاره کرد که در طی چند سال تحقیق و تفحص در قوانین آنها را جمع‌آوری نموده‌ام و همین امر موجب برتری و تمایز این کتاب در مقایسه با سایر کتب اصولی شده است، از سوی دیگر در پایان هر قسمت نیز خلاصه مطالبی آورده شده است که در تثبیت و جمع‌بندی مطلب در ذهن دانشجویان سهم به‌سزایی دارد.

تجربه چند سال فعالیت تخصصی اینجانب ثابت کرده است که بهترین روش مطالعه‌ی درس اصول فقه برای آزمون وکالت و کارشناسی ارشد این است که پس از مطالعه‌ی هر مبحث تست‌های مربوط به آن نیز زده شود تا ذهن دانشجویان باشیوه‌ی طراحی تست و ممتراز آن باشیوه‌ی مطالعه‌ی مباحث آشنا شود، به همین منظور در انتهای کتاب مجموعه‌ای از تست‌های آزمون وکالت و کارشناسی ارشد گذاشته شده است تا دانشجویان پس از مطالعه‌ی هر مبحث تست‌های مربوط به آن را نیز پاسخ دهند.

این کتاب در دو جلد نگارش یافته است جلد اول به مباحث الفاظ اختصاص دارد و سایر مباحث از جمله امارات، ادله استنباط احکام، اصول عملیه و تعارض ادله در جلد دوم ارائه شده است.

در پایان بر خود لازم می‌دانم از جناب آقای امیر کالوند، ریاست محترم موسسه مشاییر مهر داد آفرین و سرکار خانم صدیقه دودانگه و سپاسی که در تالیپ این مجموعه زحمت کشیدند تشکر کنم.

سمیرا سید محمدی

زمستان ۱۳۹۵

علائم اختصاری

قانون اساسی	:	ق.ا
قانون مدنی	:	ق.م
قانون آیین دادرسی مدنی	:	ق.آ.د.م
قانون مجازات اسلامی	:	ق.م.ا
قانون آیین دادرسی کیفری	:	ق.آ.د.ک
قانون تجارت	:	ق.ت
لایحه اصلاح قانون تجارت	:	ل.ا.ق.ت
قانون حمایت خانواده	:	ق.ح.خ
قانون امور حسبی	:	ق.ا.ح
قانون مسئولیت مدنی	:	ق.م.م

فهرست مطالب

کلیات	۲۱
تعریف فقه:	۲۱
تعریف اصول فقه:	۲۱
موضوع علم اصول فقه:	۲۲
فایده و منفعت اصول فقه:	۲۲
کاربرد اصول فقه در حقوق:	۲۳
تاریخچه اصول فقه:	۲۳
الف) تقدم اهل سنت بر شیعیان در ورود به عرصه علم اصول فقه:	۲۳
ب) پیدایش علم اصول فقه:	۲۴
پ) مؤسس اصول فقه:	۲۴
ت) اولین تألیف و اولین مؤلف در اصول فقه:	۲۴
خلاصه مطالب	۲۵
فصل اول: وضع الفاظ	۲۷
تعریف وضع:	۲۷
ارکان وضع:	۲۷
دلالت:	۲۸
اقسام دلالت:	۲۸
۱- دلالت عقلی:	۲۹
۲- دلالت طبعی (یا طبیعی):	۲۹
۳- دلالت وضعی:	۳۰
اقسام دلالت وضعی:	۳۱
اقسام دلالت وضعی لفظی:	۳۲
۱- دلالت مطابقی:	۳۲
۲- دلالت تضمنی:	۳۳
۳- دلالت التزامی:	۳۴

۳۸	اقسام وضع:
۳۸	۱- وضع تعین (تخصیصی):
۳۸	۲- وضع تعینی (تخصیصی):
۳۹	اقسام وضع تعینی:
۴۱	خلاصه مطالب
۴۳	حقیقت و مجاز:
۴۵	شرایط مجاز:
۴۵	۱- وجود علاقه:
۵۰	۲- وجود قرینه:
۵۱	اقسام قرینه:
۵۱	۱- قرینه صارفه یا مانعه:
۵۲	۲- قرینه معینه یا موضحه:
۵۵	خلاصه مطالب
۵۶	علائم حقیقت و مجاز:
۵۶	۱- تصریح واضع و عدم تصریح واضع:
۵۶	۲- تبادر و عدم تبادر:
۵۷	۳- اطراد و عدم اطراد:
۵۸	۴- استفاده از حمل و سلب:
۶۴	خلاصه مطالب
۶۵	اقسام حقیقت:
۶۵	۱- حقیقت لغوی:
۶۶	۲- حقیقت عرفی:
۶۸	عرف شرع (عرف شارع) و عرف متشرعه:
۶۸	اقسام موضوعات احکام:
۶۸	۳- حقیقت شرعی:
۶۹	ثمره و فایده بحث حقیقت شرعی:
۷۱	۴- حقیقت متشرعه:
۷۱	۵- حقیقت قانونی:

۷۴	تحلیل ماده ۲۲۴ قانون مدنی:
۷۴	تعارض بین اقسام حقیقت:
۷۷	خلاصه مطالب
۷۹	اقسام لفظ:
۸۲	اقسام لفظ از جهت دلالت بر معنا:
۸۲	۱- نص:
۸۳	۲- ظاهر:
۸۴	۳- مأول:
۸۶	۴- مجمل:
۸۷	عوامل موجب بروز اجمال در کلام:
۸۷	۱- بکار بردن «مشترک لفظی» بدون وجود «قرینه معینه یا موضعه»:
۸۹	۲- در تقدیر گرفتن لفظ یا الفاظی:
۸۹	۳- حذف اجزاء و ارکان جمله:
۹۰	۴- ساختار جمله:
۹۱	۵- استفاده از کلمات مبهم:
۹۲	خلاصه مطالب
۹۳	اصول لفظیه:
۱۱۳	خلاصه مطالب
۱۱۷	فصل دوّم: اوامر
۱۱۷	معنای امر:
۱۱۷	الف) امر در لغت:
۱۱۷	ب) امر در اصطلاح:
۱۱۸	روش‌های بیان امر:
۱۱۸	۱- صیغه امر
۱۱۹	۲- ماده امر
۱۱۹	۳- کلماتی که دلالت بر امر می‌کنند:
۱۲۰	۴- جمله خبری در مقام انشاء

۱۲۳	ارکان امر:
۱۲۴	دلالت امر:
۱۲۴	امر عقیب به حظر (امر عقیب به منع):
۱۲۵	ویژگی های امر:
۱۲۵	۱- از حیث مره یا تکرار:
۱۲۷	۲- از حیث فور یا تراخی:
۱۲۸	۳- از حیث توجه و قصد:
۱۲۹	خلاصه مطالب
۱۳۱	اقسام حکم:
۱۳۱	الف) حکم تکلیفی و حکم وضعی:
۱۴۰	ب) حکم واقعی و حکم ظاهری:
۱۴۴	اقسام حکم واقعی:
۱۵۱	پ) حکم تأسیسی و امضایی:
۱۵۱	۱- حکم تأسیسی:
۱۵۱	۲- حکم امضایی:
۱۵۱	ت) حکم مولوی و ارشادی:
۱۵۳	خلاصه مطالب
۱۵۵	مسئله ضد:
۱۵۵	اقسام ضد:
۱۵۶	اقسام واجب:
۱۵۶	الف) واجب عینی و کفائی
۱۵۷	ب) واجب تعینی و تخییری
۱۶۲	پ) واجب تعبدی و توصلی
۱۶۴	ت) واجب نفسی و غیری
۱۶۶	ث) واجب اصلی و تبعی
۱۶۸	ج) واجب مطلق و مشروط
۱۷۲	چ) واجب منجز و معلق
۱۷۳	ح) واجب موقت و غیرموقت

۱۷۷ خلاصه مطالب
۱۸۱ فصل سوم: نواهی
۱۸۱ معنای نهی:
۱۸۱ روش‌های بیان نهی:
۱۸۱ ۱- صیغه نهی:
۱۸۲ ۲- ماده نهی:
۱۸۲ ۳- جمله منفی:
۱۸۳ ۴- جمله خبری مثبت:
۱۸۳ ۵- قرار دادن مجازات:
۱۸۴ ارکان نهی:
۱۸۴ دلالت نهی:
۱۸۵ ویژگی‌های نهی:
۱۸۵ ۱- از حیث مره یا تکرار:
۱۸۵ ۲- از حیث فور و تراخی:
۱۸۶ ۳- لزوم یا عدم لزوم کف نفس:
۱۸۷ فایده بحث:
۱۸۸ خلاصه مطالب
۱۹۰ وجوه اشتراک و افتراق امر و نهی:
۱۹۰ الف) وجوه اشتراک امر و نهی:
۱۹۰ ب) وجوه افتراق امر و نهی:
۱۹۱ دلالت نهی بر فساد و بطلان:
۱۹۱ الف) نهی در عبادات:
۱۹۱ ب) نهی از معاملات:
۱۹۹ اجتماع امر و نهی:
۲۰۱ خلاصه مطالب
۲۰۳ فصل چهارم: مفاهیم
۲۰۳ تعریف منطوق و مفهوم:

۲۰۵	اقسام منطوق:
۲۰۵	۱- منطوق صریح:
۲۰۶	۲- منطوق غیر صریح:
۲۰۶	اقسام منطوق غیر صریح:
۲۰۶	۱- دلالت اقتضا:
۲۰۹	۲- دلالت تنبیه یا ایما:
۲۱۱	۳- دلالت اشاره:
۲۱۴	خلاصه مطالب
۲۱۵	اقسام مفهوم:
۲۱۷	اقسام مفهوم موافق:
۲۱۷	۱- مفهوم موافق اولویت (قیاس اولویت):
۲۱۷	الف) تعریف:
۲۱۷	ب) حجیت داشتن مفهوم موافق اولویت:
۲۲۱	۲- مفهوم موافق مساوی:
۲۲۱	الف) تعریف:
۲۲۱	ب) حجیت داشتن مفهوم موافق مساوی:
۲۲۲	اقسام مفهوم مخالف:
۲۲۳	۱- مفهوم شرط:
۲۲۴	الف) تعریف مفهوم شرط:
۲۲۴	ب) حجیت داشتن مفهوم شرط:
۲۳۴	۲- مفهوم غایت:
۲۳۵	الف) تعریف مفهوم غایت:
۲۳۵	ب) حجیت داشتن مفهوم غایت:
۲۳۷	دخول غایت در مغیی:
۲۴۰	۳- مفهوم حصر (استثنا):
۲۴۰	حصر:
۲۴۰	استثنا:
۲۴۰	الف) تعریف مفهوم حصر (استثنا):

۲۴۱ (ب) حجیت داشتن مفهوم حصر:
۲۴۳ ۴- مفهوم وصف:
۲۴۳ الف) تعریف مفهوم وصف:
۲۴۳ (ب) حجیت داشتن مفهوم وصف:
۲۴۴ ۱- وصف یا قید توضیحی یا موضوعی یا تأکیدی:
۲۴۵ ۲- وصف یا قید احترازی (تقیدی):
۲۴۸ ۳- وصفی که جایگزین دارد:
۲۵۱ ۴- وصف غالبی:
۲۵۳ ۵- مفهوم لقب:
۲۵۳ الف) تعریف مفهوم لقب:
۲۵۳ (ب) حجیت داشتن مفهوم لقب:
۲۵۵ ۶- مفهوم عدد:
۲۵۵ الف) تعریف مفهوم عدد:
۲۵۵ (ب) حجیت داشتن مفهوم عدد:
۲۶۵ خلاصه مطالب
۲۶۷ فصل پنجم: عام و خاص
۲۶۷ تعریف عام و خاص:
۲۶۷ الفاظ عام:
۲۶۷ ۱- ادات عام:
۲۶۸ ۲- لفظ جمع:
۲۶۸ ۳- نکره در سیاق نفی یا نهی:
۲۶۹ ۴- مفرد مضاف:
۲۶۹ اقسام عام:
۲۶۹ ۱- عام افرادی:
۲۷۲ ۲- عام مجموعی:
۲۷۵ ۳- عام بدلی:
۲۸۱ تخصیص:

- الف) ارکان تخصیص: ۲۸۲
- ب) شرایط تخصیص: ۲۸۳
- ۱- لزوم وجود تنافی و تعارض میان عام و خاص: ۲۸۳
- ۲- خاص از عام خروج موضوعی نداشته باشد: ۲۸۵
- پ) تخصیص اکثر: ۲۸۶
- ت) اقسام مخصّص: ۲۸۶
- مخصّص لفظی و غیرلفظی: ۲۸۶
- مخصّص متصل و منفصل: ۲۸۸
- فایده تقسیم مخصّص به مخصّص متصل و منفصل: ۲۹۰
- آیا عمل به عام پیش از فحص و جستجو از مخصّص جایز است؟ ۲۹۰
- آیا عام در افراد مخصّص خود ظهور و حجیت دارد؟ ۲۹۱
- اقسام مخصّص متصل: ۲۹۲
- ۱- صفت: ۲۹۲
- ۲- استثناء: ۲۹۳
- ۳- شرط: ۲۹۳
- ۴- متمم یا قید: ۲۹۳
- ۵- غایت: ۲۹۴
- ث) یک مخصّص بعد از چند عام: ۲۹۴
- ج) تخصیص عام با مفهوم: ۲۹۸
- خلاصه مطالب ۳۰۲
- اجمال مخصّص: ۳۰۴
- ۱- گاه مخصّص از تمام جهات مجمل است: ۳۰۴
- ۲- گاه مخصّص از بعضی جهات مجمل است: ۳۰۵
- اقسام اجمال مفهومی: ۳۰۷
- ۱- اجمال مفهومی اقل و اکثر: ۳۰۷
- ۲- اجمال مفهومی متباینین: ۳۰۹
- سرایت اجمال مخصّص به عام: ۳۱۰
- خلاصه مطالب ۳۱۶

۳۱۷ دوران بین نسخ و تخصیص:
۳۱۷ نسخ:
۳۱۷ ارکان نسخ:
۳۱۸ اقسام نسخ:
۳۱۸ الف) نسخ صریح و ضمنی
۳۲۱ اقسام نسخ صریح:
۳۲۲ ب) نسخ کلی و جزئی:
۳۲۴ مقایسه نسخ و تخصیص:
۳۲۵ صورتهای تعارض عام و خاص:
۳۲۶ حالت اول: تاریخ صدور عام و خاص معلوم است:
۳۳۲ حالت دوم: تاریخ صدور هر دوی عام و خاص مجهول است:
۳۳۲ حالت سوم: تاریخ صدور یکی از عام یا خاص معلوم و دیگری مجهول است:
۳۳۳ خلاصه مطالب
۳۳۵ فصل ششم: مطلق و مقید
۳۳۵ تعریف مطلق و مقید
۳۳۷ نکاتی پیرامون مطلق و مقید:
۳۴۰ رابطه عام و خاص و مطلق و مقید:
۳۴۰ تفاوت‌های عام و مطلق:
۳۴۲ خلاصه مطالب
۳۴۴ اقسام قید:
۳۴۴ الف) قید متصل:
۳۴۴ ۱- صفت:
۳۴۴ ۲- مضاف‌الیه:
۳۴۵ ۳- متمم:
۳۴۵ ۴- استثناء:
۳۴۵ ۵- شرط:
۳۴۶ ب) قید منفصل:

۳۴۶	اطلاق و تقييد جمله:
۳۴۸	مقدمات حکمت:
۳۴۸	۱- امکان اطلاق و تقييد:
۳۵۰	۲- عدم وجود قرينه تقييد:
۳۵۳	۳- در مقام بيان بودن متکلم:
۳۵۶	۴- نبودن قدر متيقن در مقام تخاطب:
۳۵۹	۵- عدم وجود انصراف ظهري:
۳۶۲	خلاصه مطالب
۳۶۳	انواع اطلاق:
۳۶۳	۱- اطلاق استغراقي يا افراي:
۳۶۴	۲- اطلاق بدلي:
۳۶۵	۳- اطلاق ازمانی:
۳۶۶	۴- اطلاق احوالی:
۳۶۷	۱- اطلاق لفظی:
۳۶۷	۲- اطلاق مقامی:
۳۶۸	حمل مطلق بر مقيد:
۳۷۳	خلاصه مطالب
۳۷۵	فصل هفتم: مجمل و مبين
۳۷۶	مجمل و مبين:
۳۷۷	۱- مبين بالذات:
۳۷۷	۲- مبين بالعرض (مبين بالغير):
۳۷۹	تکليف به مجمل:
۳۸۰	خلاصه مطالب
۴۳۳	منابع

کلیات

تعریف فقه:

- ❖ فقه در لغت به معنای «فهم» و «درک» است.
- ❖ فقه در اصطلاح یعنی «بدست آوردن احکام شرعی فرعی از طریق ادله تفصیلی»
- ❖ منظور از ادله تفصیلی «قرآن»، «سنت»، «اجماع» و «عقل» است.

بنابراین می‌توان گفت فقه در اصطلاح علمی است که احکام شرعی فرعی را از قرآن، سنت، اجماع و عقل استنباط می‌کند.

تعریف اصول فقه:

دانستیم که فقه عبارت است از به دست آوردن احکام شرعی فرعی از طریق ادله تفصیلی (یعنی قرآن، سنت، اجماع و عقل)، برای اینکه بتوانیم احکام شرعی را از قرآن، سنت، اجماع و عقل بدست آوریم نیازمند اصول و قواعدی هستیم، این اصول و قواعد در علمی به نام علم اصول فقه بررسی می‌شوند.

برای مثال در آیه ۴۳ سوره بقره، خداوند می‌فرماید: «اقیموا الصلاة» یعنی نماز را برپا دارید. برای اینکه حکم شرعی «وجوب نماز» را از این آیه (که یکی از ادله تفصیلی است) بدست بیاوریم نیازمند اصول و قواعد زیر هستیم:

۱- صیغه امر دلالت بر وجوب دارد.

۲- ظواهر قرآن، هم نسبت به معصومین (ع) و هم نسبت به غیرمعصومین حجت هستند.^۱

⇐ بنابراین از طریق این دو قاعده متوجه می‌شویم که آیه ۴۳ سوره بقره بر «وجوب نماز» دلالت می‌کند. این قواعد در علم اصول فقه بررسی می‌شوند.

۱- مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، جلد ۱، صفحه ۹.

بنابراین می‌توان گفت اصول فقه علمی است که در آن از قواعدی بحث می‌شود که فقیه با استفاده از آن، احکام شرعی فرعی را از ادله تفصیلی (یعنی قرآن، سنت، اجماع و عقل) بدست می‌آورد. * ادله فقه، کیفیت بکار بردن آنها و مسائل مربوط به آن ادله، در علم اصول فقه بررسی می‌شود.^۱

موضوع علم اصول فقه:

۱- اصولیون متقدم عقیده داشتند که هر علمی باید موضوع معینی داشته باشد بنابراین اصول فقه نیز مانند هر علمی باید موضوع معینی داشته باشد آنان موضوع اصول فقه را «قرآن، سنت، اجماع و عقل» می‌دانستند.

۲- اصولیون متأخر عقیده دارند لازم نیست هر علمی موضوع معینی داشته باشد، علم اصول فقه نیز موضوع معینی ندارد، موضوع علم اصول فقه محدود و منحصر به چیزی نیست بلکه هر چیزی که به وسیله آن بتوان حکم شرعی را استنباط نمود موضوع علم اصول فقه است.

- بنابراین به عقیده این گروه قرآن، سنت، اجماع و عقل می‌توانند از موضوعات علم اصول فقه باشند لکن موضوع علم اصول فقه محدود به این موارد نمی‌باشد و حتی علاوه بر ادله معتبر، ادله غیرمعتبر نیز می‌توانند موضوع این علم باشند.

- برخی موضوع علم اصول فقه را «حجت در فقه» دانسته‌اند.^۲

فایده و منفعت اصول فقه:

فایده: به هدفی که پیش از عمل در نظر گرفته می‌شود و علت تحقق آن عمل است، فایده (غرض و غایت) گفته می‌شود. در واقع فایده به علت غایی و علت ایجاد چیزی گفته می‌شود.

منفعت: به چیزی که پیش از عمل در نظر گرفته نشده و به آن توجه نشده است ولی با انجام عمل حاصل می‌شود، منفعت می‌گویند.

برای مثال کسی به قصد حج مسافرت می‌کند، هدفی که از قبل در نظر گرفته شده، انجام حج است (فایده مسافرت). اما ممکن است در مسیر از مناظر زیبای طبیعی نیز بهره‌برد و این چیزی است که از قبل در نظر گرفته نشده است ولی ضمن مسافرت حاصل شده است. (منفعت مسافرت)

۱- محمدی، ابوالحسن، مبانی استنباط حقوق اسلامی، شماره ۵.

۲- مرحوم آیت‌الله بروجردی، حاشیه کفایه، موضوع علم اصول فقه.

* علت ایجاد (فایده) علم اصول فقه این است که به کمک آن احکام شرعی فرعی را از ادله تفصیلی استنباط می‌کنیم و منفعت علم اصول فقه نیز این است که به استنباط احکام حقوق موضوعه کمک می‌کند.

کاربرد اصول فقه در حقوق:

به اختصار می‌توان گفت کاربرد اصول فقه در حقوق موضوعه عبارت است از:

- ۱- بدست آوردن فهم و تحلیل صحیح قوانین مبتنی بر فقه و اصول فقه.
- ۲- بکارگیری درست منابع فقهی به عنوان مستند حکم دادگاه.
- ۳- شناخت شیوه‌های استدلال حقوقی با استفاده از اصول فقه.
- ۴- دانستن شیوه تصمیم‌گیری در مواردی که شک و تردید وجود دارد.

تاریخچه اصول فقه:

الف) تقدم اهل سنت بر شیعیان در ورود به عرصه علم اصول فقه:

علمای شیعه دیرتر از علمای اهل سنت با علم اصول فقه آشنا شدند و علت این امر نیز این است که شیعیان اعتقاد دارند «گفتار»، «کردار»، و «تقریر» امامان معصوم (ع) همان حجیتی را دارد که «گفتار»، «کردار» و «تقریر» پیامبر (ص) داراست از این جهت تا شروع غیبت کبری، شیعه احکام را بی‌واسطه یا باواسطه از امام معصوم (ع) دریافت می‌کرد و احتیاجی به اصول پیدا نکرد. لکن وقتی غیبت کبری شروع شد، امام دوازدهم علما و فقها را موظف کرد که در امور شرعی اجتهاد نمایند و فقها ناچار به اصول روی آوردند. البته در این زمان شیعیان به دو دسته تقسیم شدند:

- ۱- دسته‌ای که اصول را نپذیرفتند که اخباریون نام داشتند.
- ۲- دسته‌ای که اصول را پذیرفتند که اصولیون نام داشتند.^۱

۱- اصولیون و اخباریون دو مکتب در مذهب شیعه است که ویژگی‌های آنان به شرح زیر است:

۱. اصولیون اصول فقه را پذیرفتند ولی اخباریون نپذیرفتند.
۲. اصولیون علاوه بر قرآن، سنت و اجماع، عقل را نیز حجت می‌دانند ولی اخباریون عقل را حجت نمی‌دانند.
۳. اصولیون ادله استنباط احکام را قرآن، سنت، اجماع و عقل می‌دانند ولی اخباریون ادله استنباط احکام را قرآن و سنت می‌دانند.
۴. اصولیون ظاهر قرآن را حجت می‌دانند ولی اخباریون حجت نمی‌دانند.
۵. اصولیون اصل اباحه را حجت می‌دانند ولی اخباریون حجت نمی‌دانند.
۶. اصولیون و اخباریون در مواردی در اصل برائت با هم اختلاف دارند.

(ب) پیدایش علم اصول فقه:

علم اصول فقه برای امکان استنباط احکام شرعی در نیمه اول قرن اول هجری بوجود آمد ولی تا آن موقع نامی نداشت، تدریس نمی‌شد و حتی کتابی هم در این باره نوشته نشده بود.^۱

(پ) مؤسس اصول فقه:

براساس شواهد تاریخی، هسته اولیه تفکر اصولی در میان شیعه به عصر امامت امام باقر (ع) و امام صادق (ع) برمی‌گردد، آن بزرگواران شیوهی صحیح استنباط احکام الهی را از قرآن و سنت به وسیله اصول آموزش می‌دادند برخی اصحاب ائمه رساله‌هایی در مسائل علم اصول تألیف کردند از جمله «هشام بن حکم» از اصحاب امام صادق (ع) رساله‌ای در باب الفاظ و پس از آن «یونس بن عبدالرحمن» شاگرد امام موسی (ع) کتاب اختلاف الحدیث را در بحث تعادل و تراجم نوشت. از این رو می‌توان گفت امام محمد باقر (ع) و امام صادق (ع) مؤسس علم اصول هستند.

(ت) اولین تألیف و اولین مؤلف در اصول فقه:

بنابر نظر مشهور مورخان اصولی، اولین مؤلف اصول «محمد بن ادریس شافعی» که از اهل سنت است، می‌باشد و نام کتابش «الرساله» است^۲ و بنابر گفته سید بحر العلوم اولین کتاب اصول فقه که به وسیله اصولیین شیعه نوشته شد «الذریعه الی اصول الشریعه» تألیف سید مرتضی است.^۳

۱- محمدی، ابوالحسن، همان، شماره ۹، به نقل از تقریرات اصول، استاد شهابی.

۲- همان، شماره ۱۲، استاد شهابی در اینکه شافعی اولین مؤلف باشد تردید نموده و احتمال می‌دهد قاضی ابویوسف یا محمد بن حسن شیبانی اولین مؤلف اصول باشند. سید علی نقی حیدری هم «هشام بن حکم» را اولین مؤلف دانسته.

۳- همان، شماره ۱۳. لکن استاد شهابی معتقد است شیخ مفید پیش از سید مرتضی رساله خود را تألیف نموده است.

خلاصه مطالب

- فقہ } در لغت: به معنی «فهم» و «درک»
 } در اصطلاح: بدست آوردن احکام شرعی فرعی از طریق ادله تفصیلی (قرآن، سنت، اجماع و عقل) است.
- اصول فقہ: علمی است که در آن از قواعدی بحث می‌شود که فقیه با استفاده از آن احکام شرعی فرعی را از ادله تفصیلی (قرآن، سنت، اجماع و عقل) بدست می‌آورد.
 * ادله فقہ، کیفیت بکار بردن آنها و مسائل مربوط به آن ادله، در اصول فقہ بررسی می‌شوند.
- مقدمان: اصول فقہ باید موضوع معین داشته باشد ← موضوع اصول فقہ ادله اربعه (قرآن، سنت، اجماع و عقل) است. } موضوع
 متأخرین: اصول فقہ موضوع معینی ندارد ← هر چیزی که بتواند در طریق استنباط حکم شرعی قرار گیرد اعم از ادله معتبر و غیرمعتبر می‌تواند موضوع علم اصول فقہ باشد. } اصول فقہ
- تعریف فایده: هدفی که پیش از عمل در نظر گرفته می‌شود و علت تحقق آن عمل است. } فایده (غرض یا غایت)
 فایده اصول فقہ: کمک به استنباط احکام شرعی فرعی از ادله تفصیلی. } فایده و منفعت
 اصول فقہ
- تعریف منفعت: چیزی که پیش از عمل در نظر گرفته نشده ولی با انجام عمل حاصل می‌شود. } منفعت
 منفعت اصول فقہ: کمک به استنباط احکام حقوق موضوعه به وسیله اصول فقہ.
- تقدم اهل سنت بر شیعیان در ورود به عرصه اصول فقہ.
 - پیدایش علم اصول فقہ برای استنباط احکام ← نیمه اول قرن اول هجری
 - مؤسس اصول فقہ ← امام محمد باقر (ع) و امام جعفر صادق (ع) } تاریخچه اصول
- در میان سنی‌ها: به عقیده مشهور مورخان کتاب «الرساله» از محمدبن
 اولین مؤلف و ادریس شافعی اولین تألیف در اصول است.
 در میان شیعیان: به عقیده سید بحرالعلوم کتاب «الذریعه الی اصول الشریعه»
 از سید مرتضی اولین تألیف در اصول است.